**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه پنجاه و هشتم\_16 بهمن 1397**

روایاتی را بررسی می­کردیم طائفه سوم که در آن روایات ائمه علیهم السلام مردم را ارجاع داده­اند به کسانی که با احادیث آن­ها در ارتباط هستند، عالم هستند و فقیه­اند و بعد هم فرمود مرحوم شیخ که از این روایات استفاده می­شود که فرقی بین روایت و فتوا در این زمینه نیست.

روایت چهارم از امام می پرسند که در امر دین به چه کسی اعتماد کنیم امام می­فرماید:

رجال الكشي جَبْرَئِيلُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَاتِمِ بْنِ مَاهَوَيْهِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ يَعْنِي أَبَا الْحَسَنِ الثَّالِثَ ع أَسْأَلُهُ عَمَّنْ آخُذُ مَعَالِمَ دِينِي وَ كَتَبَ أَخُوهُ أَيْضاً بِذَلِكَ فَكَتَبَ إِلَيْهِمَا فَهِمْتُ مَا ذَكَرْتُمَا فَاعْتَمِدَا فِي دِينِكُمَا عَلَى مُسِنٍّ فِي حُبِّكُمَا وَ كُلِّ كَثِيرِ الْقَدَمِ فِي أَمْرِنَا فَإِنَّهُمْ كَافُوكُمَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

گفته اند این روایت هم دلالت دارد بر حجیت خبر واحد جواب این است که هیچ ربطی ندارد به حجیت خبر واحد و منظور امام این است که به جوان هایی که هنوز تجربه ایی ندارند مراجعه نکنید.

طائفه چهارم؛ شیخ انصاری می فرماید الاخبار الکثیرة التی یظهر من مجموعها جواز العمل بخبر الواحد و ان کان فی دلالة کل واحد علی ذلک نظر.

مرحوم آقای بروجردی می فرماید چطوری ممکن است ما ده روایت داشته باشیم که در دلالت هر یک نظر باشد اما مجموعش دلالت داشته باشد و این را در مقام اشکال به شیخ انصاری فرموده است.

جواب ما این است که هیچ مشکلی این قصه ندارد. معنایش این ایت که هر یک از این روایات اشعاری دارد، مجموعه این اشعار ها می­شود دلالت. کبرای مساله مشکلی ندارد بله حالا باید ببینیم هر کدام از این ها آیا اشعاری ندارد.

روایت اول نبوی مستفیض بلکه متواتر:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ‏ حَدِيثاً- يَنْتَفِعُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهاً عَالِما

این اشاره بوده است که عده ایی بوده­اند که میخواستند حدیث مندرس بشود ائمه علیهم السلام یک سفارش عمومی کردند که این احادیث را بنویسید و این کتاب ها را نگه دارید که بعد از ما به این کتاب ها نیاز دارید و یک دستور خاصی هم دادند برای همه افراد، که هر کدام 40 حدیث را از اندراس و از بین رفتن در بیاورید و حفظش کنید. حال این حفظ مصادیقی دارد یکیش به انتقال است، یکی اش این است که بنویسید، کاری کنیم که این چهل حدیث از اندراس خارج شود.

بله اگر به حافظه سپردن هم نوعی حفظ حدیث بود بله. ولی نگه داری در حافظه موضوعیت ندارد.

در مورد اربعین هم من دو احتمال را ذکر میکنم یکی اینکه نه اینکه عدد 40 خصوصیت داشته باشد در اینجا، نه امام می خواهد حد اقل را بیان کند حداقل هر کدامتان 40 حدیث را حفظ کنید، نه اینکه عدد 40 موضوعیت دارد مثل این است که میخواهند برای یک امر عمومی پول جمع کنند می گویند هر کدام هزار تومان بدهید. این معنایش این نیست که 1000 تومان موضوعیت دارد این یعنی حداقل این مقدار کمک کنید.

احتمال دوم این است که با توجه به روایاتی که در مورد عدد 40 داریم عدد 40 موضوعیت دارد.

من احتمال اول را قوی تر می دانم.

به هر حال به این حدیث تمسک شده است برای اینکه بگویند خبر واحد حجت است، شیخنا البهایی اعلی الله مقامه الشریف در اول کتاب اربعینش می فرماید دلالت این حدیث بر حجیت خبر واحد کمتر از آیه نفر است. خب در مقابلش هم فرمودند نه ایه نفر دلالت دادر و نه این حدیث.

چهل حدیث را حفظ کند اما چه حدیثی را ؟ صرف خبر واحد یا نه روایتی که محفوف به قرینه است.

روایت دوم این است

حدثو بها فانها حق

در مورد روایاتی بود که از کتاب­های شیعه دفن شد، امام می فرماید احادیثی که از آن ها بلدید بگویید این هم باز همان است برای جلوگیری از از بین رفتن احادیث اهل بیت علیهم السلام است.

بله این روایت فرق دارد با روایت قبلی و آن این است که دارد فانها حق یعنی ما فی کتب المدفونه حق لذا اگر فهمیدیم که امام کدام کتاب را دارد می گوید این یک امضای عام است برای ان کتاب ولی این معنایش ان نیست که اگر یک جا دیگر کتاب دیگر بود ان هم حجت است.

روایت سوم:

اکتب و بث علمک فی بنی عمک فانّه یاتی زمانُ حرج لا یانسون الا بکتبهم

روایات دیگری هم که در مورد مذاکره حدیث و امر به کتاب حدیث هست فراوان است.

آقای سیستانی می فرماید همه این روایات در قبال عامه است که آن ها اهل تدوین و نوشتن روایت نبودند تبعا للشیخین و اجازه تدوین حدیث را هم نمی دادند. حتی این عدم اجازه تدوین حدیث را به نبی خاتم صلی الله علیه و آله و سلم هم انتساب می دادند ربطی به این که تمام این کتاب حجت هست یا نیست ندارد، می فرماید مثل چاپ­خانه­ایی است که صاحبش عالم است و دارد تراث فقهای ما را زنده می کند این معنایش این نیست که هر چیزی که در این هاست من قبول دارم، من میخواهم این تراث از بین نرود . منظور ما هم نوشتن این هاست که این ها از بین نرود پس باید این ها نوشته شود والذی لا یقول بحجیة خبر الواحد اشد احتیاجاً من غیره الی الکتب و المراجعات و تجمیع القرائن، مگر من که می گویم خبر واحد بلا قرینه حجت نیست به این کتاب ها نباید مراجعه بکنم؟ اتفاقا وجه رجوع من بیشتر است تا بتوانم تجمیع قرائن بکنم با این کتاب های مختلفه. اما کتاب نوشتن منظور حقانیت تمام نوشته ها نیست.

این فرمایش ایشان

ما این را در باره بسیاری از این روایات قبول داریم اما چنان که عرض کردم انجا که می گوید فانها حق، ان دیگر نه انجا دارد امام علیه السلام امضا می کند ان کتاب ها را منتها باز ان امضا هم علی نحو القضیة الخارجیه است . این کتاب درست می شود نه هر کتاب و نه هر حدیثی.

طائفه پنجم؛ روایاتی است که مذمت می کند کسانی را که دروغ بر ائمه علیهم السلام بسته اند و ما را بر حذر می دارد از کذابین، از پیامبر اکرم گرفته است تا ائمه اطهار علیهم السلام که فرموده اند هر کدام ا ز ما دروغگویانی داشتیم که به ما احادیث دروغ نسبت دادند کان الله افترض علیهم و لا یرید غیره

شیخ انصاری می فرماید فان بناء المسلمین لو کان علی الاقصار علی المتواترات لم یکسر القالة و الکذابة و الاحتفاف بالقرینة القطعیه فی غایة القلة

معنای این است که ائمه فرمودند که از دروغ گوها بر حذر باشید پس معلوم است که یک طائفه بر امام دروغ می بسیتند اگر ما معیار ما یکی از این دو بود یا خبر واحد با قرینه ویا خبر متواتر. بگذار این هر چقدر میخواهد دروغ بگوید به ما ضرری نمی زند . پس چرا امام می گوید از این ها بر حذر باشید و این کشف می کند که روش مسلمین یک سومی بود که که ان خبر واحد بلا قرینه است و الا پرهیز دادن از دروغگویان معنا ندارد.

جواب این است که کذب متوقف برا این نیست که خبر واحد حجت باشد گاهی اوقات ان کذابین کارهایی می کنند که احساسات مردم را تحریک میکنند دروغ واضحی را مردم اطمینان پیدا می کنند. نمونه اش این که وقتی امیر المومنین به شهادت رسید گفتند مگر علی نماز می خوانده است.

ببینید با یک جو احساسی احادیث دروغ را به مردم می دادند و ان ها باور می کردند.

یک جمله دارد ایشان و العلاج انما یکون بمقایسته مع الکتاب و السنت و لیس العلاج بکون الراوی ثقة اذ کثیرا ما یروی الکذاب عن ثقة عن ثقة ما این را پارسال به مناسبتی گفته بودیم،

عرض ما این است که کسی که جعل متن می کند جعل سند هم می کند، کاری ندارد.پس کثیرا ما یروی الکذاب عن ثقة عن ثقة و لذا علمای گذشته ما در نوشتن حتی خطوط را به هم نزدیک می کردند که کسی چیزی به ان اضافه نکند و یا کتاب ها را از اول تا اخر پیش استادش می خواند و مقایسه می کردند تا مبادا نسخه ایی کم و زیاد داشته باشد. پس معلوم می شود یک عده کذاب بوده اند که هم به امام انتساب دروغ می­دادند و هم جعل حدیث می­کردند.

خب راهش هم مقایسه بین این روایت و ان روایت است و قصه حل می­شود.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.